

This question paper contains 4+1 printed pages]

Roll No.

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

S. No. of Question Paper : 2997

Unique Paper Code : 2091201

F-2

Name of the Paper : **Modern Persian Prose with an Abridged History
of Modern Prose [DC 1.3]**

Name of the Course : **Bachelor with Honours in Persian**

Semester : **II**

Duration : **3 Hours**

Maximum Marks : **75**

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

Note : Unless otherwise required in a question, answers may be written either in Persian or in English or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any *two* of the following passages into English or Hindi or Urdu : 25

از متون زیر فقط دو را به زبان انگلیسی یا ہندی یا اردو ترجمہ کنید :

(A)

شبھا وقتی کہ نصر اللہ فارغ می شد، در قہرہ خانہ ہای ہرات این رفتار ہم شہریان خود را نکوہش می کرد۔ حمل بہ سفاہت می کرد۔ بہ نظر او کسانی کہ دارائی خود را بہ خیال واہمی از دست می دادند و در

P.T.O.

آخر عمر رنج سفر را بر خود آسان می ساختند می بایستی راستی دیوانه باشند! مگر همه جازمین خدا نیست؟
هرات را با مشهد چه تفاوتست؟

بیشتر تعجب نصرالله ازین بود که اگر این دیوانه ها خود می روند چرا دگیرند و پشیمان از رفتن هستند - کسی که ایشان را مجبور نکرده است؟ اگر هم این خانه ها را دوست می دارند پس چرا آنها را ترک می کنند -

(B)

مهندس اس کرم چند گاندی در دوم اکتبر ۱۸۶۹ میلادی در پور بندر در هندوستان غربی به جهان آمد - پدرش وزیر یکی از ایالت های گجرات بود - در سیزده سالگی ازدواج کرد و در هجده سالگی به لندن رفت - در لندن به تحصیل علم حقوق پرداخت و در زمره وکیلان درآمد - در آنجا روش خاصی برای بهداشت تن و روان انتخاب کرد - از خوردن گوشت حیوانات پرهیز کرد و اساس زندگی خود را بر قناعت، سادگی و تسلط بر نفس گذاشت -

پس از اتمام تحصیلاتش در انگلستان به هندوستان برگشت و پس از اقامت کوتاهی در آنجا در سال ۱۸۹۳ م به افریقای جنوبی رفت -

(C)

اسم این دختر ریگا بود۔ ریگا از گلکشت زود به کاشخ برگشت۔ اومی خواست زودتر به اطاق رود و در رابه روی خویش بپند تا کسی به آشفنگی حال و طیش بی پایان قلب نازینش پی نبرد و پریدگی رخسار قشنگش رانپند۔ حقدر برای این شاهزاده جوان دشوار بود که قلبش را در یک چشم بهم زدن از دست داده و شیفه نگاه های تند و برق چشم آتش زای یک جوان پینه دوز شده باشد به که می تواند رازش را بگوید و از که می تواند در مان دردش را بجوید؟ هیچ کس؟

2. Reproduce any *one* of the following in simple Persian :

20

یکی از متن زیر را به فارسی ساده باز نمایند :

(A)

من از همسر عزیز همه ساله عیدی می گیرم۔ عیدی امسال این بود که اتاق تحریر مرا نو کند۔ خوشحال و ممنون شدم۔ اما وقتی بنا بعبادت، پس از چند سطر، چشم از کتاب برداشتم و به فکر پرداختم، دیدم که اسباب اتاق بزاری به من نگاه می کنند۔ و التماس دارند، می گویند گذار ما را از اینجا ببرند۔ ما سالها با

P.T.O.

تو خو گرفته ایم و تو را دوست داریم۔ ما مونس شبها و روزهای تنهایی تو بودیم۔ ما مخزن آن اسرار و افکار پنهانی هستیم که با دیگران نمی گوئی۔ ما حافظ آن یادگارهای هستیم که از دوستان قدیم داری۔

(B)

شب تاریک آمده بود و مردم به خانه‌شان رفته بودند۔ اما ادهم در بیابان بود و بیخود زارکنان از این طرف به آن طرف می رفت۔ پنداری عشق جانانش را بسوی خود می کشاند و ادهم ناگهان خود را در گورستان یافت۔ با خودش گفت بهتر است بر سر گور یارم آن قدر بگیریم تا منم به او پیوندم۔ چهره اش را روی خاک قبر ریگا مالیده گور او را بوسید و آنچه کلمات زیبای عاشقانه به خاطرش می رسید به دلدارش می گفت۔ یک بار در میان نومیدی و ترس، فکر به خاطرش آمد۔

3. Write a summary on any *one* of the following stories :

15

یکی از عنوان های زیر را خلاصه کنید :

(۱) کبوتر و کلاغ

(۲) عیدی

(۳) خانه پدری

4. Write a short note on the life and works of any *one* of the following topics : 15

از عنوان های زیر یکی را مختصراً بیان کنید :

(۱) محمد علی جمالزاده

(۲) ش. پرتو

(۳) سعید نفیسی